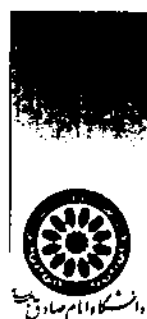


فقر، نابرابری درآمدی و مؤلفه‌های سرمایه انسانی

از دیدگاه اسلام

(مطالعه موردی: کشورهای اسلامی)

حسین میسی



فقر، نابرابری درآمدی و مؤلفه‌های سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام

تألیف: حسین میسمی

ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: بهار ۸۹

چاپ و صحافی: زلال کوثر

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۲۳-۴

ISBN: 978-600-5574-23-4

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، ص. پ، ۱۵۹-۱۴۶۵۵ تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲

سرشناسه	: میسمی، حسین، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: فقر، نابرابری درآمدی و مؤلفه‌های سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام مطالعه موردی: کشورهای اسلامی/حسین میسمی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۰ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۲۳-۴/شابک: ۳۰۰۰ تومان
وضعیت فهرست نویسی	: فنی
موضوع	: اسلام و اقتصاد
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ م ۹۴/۷/۲۳ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۷۸۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۸۰۳۹۱

«فهرست مطالب»

۷.....	سخن ناشر.....
۹.....	مقدمه دکتر صادق بختیاری.....
۱۵.....	مقدمه نویسنده.....

بخش اول:

فقر، نابرابری درآمدی و مولفه‌های سرمایه انسانی در اسلام

۲۱.....	فصل اول: فقر از دیدگاه اسلامی.....
۲۵.....	۱. انواع فقر.....
۲۷.....	۲. علل فقر.....
۲۸.....	۳. علل و عوامل فقر در آیات و روایات.....
۳۰.....	۴. آثار فقر در آیات و روایات.....
۳۲.....	۵. عوامل موثر در فقر.....
۳۶.....	۶. راهکارهای مقابله با فقر.....
۳۹.....	فصل دوم: نابرابری درآمدی.....
۳۹.....	۱. نابرابری در آیات و روایات.....
۴۱.....	۲. نابرابری در دیدگاه متفکران اسلامی.....
۴۵.....	فصل سوم: دانش و سلامت در اسلام.....
۴۶.....	۱. جایگاه و اهمیت دانش در آیات و روایات.....
۴۷.....	۲. جایگاه و اهمیت بهداشت در آیات و روایات.....
۵۱.....	فصل چهارم: کار و تلاش در اسلام.....

۱. جایگاه و اهمیت کار و تلاش در قرآن ۵۲
۲. جایگاه و اهمیت کار و تلاش در کلام معصومین ۵۷
۳. کار و رشد فردی و اجتماعی ۶۰
۴. آثار و نتایج مادی و معنوی کار و بیکاری ۶۲
۵. بیکاری ۶۸
۶. سیره امامان معصوم در موضوع کار ۸۱

بخش دوم:

بررسی فقر، نابرابری و مولفه‌های سرمایه انسانی در کشورهای اسلامی

- فصل پنجم: نگاهی به وضعیت برخی از متغیرهای اقتصادی در گروه کشورهای اسلامی ۹۵
۱. بررسی وضعیت اقتصادی کشورهای اسلامی در دوره رونق (۲۰۰۳-۲۰۰۷) ۹۷
 - ۱-۱. چشم انداز کلی وضعیت گروه کشورهای اسلامی ۹۸
 - ۱-۲. ساختار اقتصادی گروه کشورهای اسلامی ۱۰۲
 - ۱-۳. تولید و رشد ۱۰۶
 - ۱-۴. تورم ۱۱۳
 - ۱-۵. صادرات و واردات ۱۱۶
 - ۱-۶. تراز تجاری، حساب جاری و ذخایر ۱۲۱
 - ۱-۷. دیون و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۱۲۵
- فصل ششم: بررسی تاثیر مولفه‌های سرمایه انسانی بر فقر و نابرابری در کشورهای اسلامی ۱۳۱
۱. مروری مختصر بر ادبیات پژوهش در اقتصاد متعارف ۱۳۱
 ۲. مدل آماری شماره یک ۱۳۵
 ۳. مدل آماری شماره دو ۱۴۷
- فصل هفتم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات ۱۶۱
- ضمیمه آماری ۱۶۹
- منابع و مأخذ ۱۸۳

تربیت اسلامی، مرجعیت علمی

«کاری کنید که دانشگاه امام صادق علیه السلام ... مرجع تحقیقات مراکز علمی و دانشگاه‌های دنیا بشود» مقام معظم رهبری^۱

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که ازسوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته است، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در عرصه نظر و عمل به انجام رساند. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد زیرا که علم بدون تزکیه پیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. ازاین منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در ملاقات اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)، مورخ

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که «ربع قرن» تجربه شده و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران این نهاد است که امید می‌رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند، درک کاستی‌ها و اصلاح آنها زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق را نیز فراهم خواهد کرد.

در این راستا، اثر حاضر از مجموعه مطالعاتی «اقتصاد اسلامی» تقدیم جامعه علمی کشور می‌شود. لازم به ذکر است که سیاست «موضوع محور نمودن» پژوهش‌های دانشگاه طی سه سال گذشته آثار و نتایج مبارکی در پی داشته که از آن جمله می‌توان به غنای موضوعی پژوهش‌های دانشگاه اشاره داشت. در قالب این سیاست، موضوعات با اولویت نخست شناسایی و از منظرهای مختلف علمی به بحث گذارده می‌شوند که «اقتصاد اسلامی» به دلیل کمبود متون تخصصی، نیاز فزاینده جامعه علمی و بویژه عملیاتی کشور، از جمله آنها می‌باشد.

ناشر بسیار خرسند است که اثری که از این مجموعه را در دستور نشر دارد و امیدوار است که بسته مطالعاتی ارایه شده که از حیث تعداد و محتوا در سطح کشور بی‌نظیر است، به همت سایر پژوهشگران تقویت شده و رشد مطالعات مالی اسلامی را در آینده نزدیک شاهد باشیم.

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه دکتر صادق بختیاری

یکی از مهمترین اهداف دین اسلام و بالتبع اقتصاد اسلامی برقراری عدالت است. در واقع دستیابی به عدالت اجتماعی-اقتصادی هدف اساسی دولت‌های اسلامی به حساب آمده و به عنوان شاخص فعالیت‌های جامعه اسلامی به شمار می‌رود. بدین معنی که اگر بخواهیم ارزیابی مناسبی از عملکرد دولت‌های مختلف داشته باشیم، حتماً باید میزان تحقق عدالت و شاخص‌های آن را مورد توجه قرار دهیم. همچنین بدیهی است که یکی از مولفه‌های عدالت اقتصادی-اجتماعی وضعیت توزیع درآمد و فقر می‌باشد. لذا نمی‌توان در حوزه اقتصاد اسلامی تئوری پردازی نمود اما به مباحث مرتبط با فقر و نابرابری توجه نداشت. از طرف دیگر تاکید دین اسلام بر ضرورت علم‌آموزی، آموزش، تحصیل، درآمدزایی و مباحث مرتبط با سلامت و بهداشت بر کسی پوشیده نیست. این تاکیدات در واقع بیانگر توجه این شریعت الهی به مباحثی است که امروزه از آن با سرمایه انسانی یاد می‌شود. بنابراین ضروری است که دولت‌های اسلامی تدابیری اتخاذ کنند که به تقویت

مؤلفه‌های سرمایه انسانی، مانند آموزش و سلامت (در گروه‌های پایین درآمدی) انجامیده و از این طریق به کاهش فقر و نابرابری کمک کند.

مروری بر ادبیات توسعه نیز به وضوح نشان می‌دهد که یکی از اهداف توسعه اقتصادی، کاهش فقر و بهبود وضعیت توزیع درآمد است. به طوری که می‌توان ادعا کرد که توسعه کوشش مستمری برای کاهش یا رفع مشکلات و نابسامانی‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی یا بهبود شرایط مختلف زندگی اجتماعی و انسانی است. عوامل و علل توسعه متفاوت و متعدد هستند. تئوری‌ها و سیاست‌های توسعه در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ عمدتاً بر بیشتر کردن نرخ رشد از طریق انباشت سرمایه استوار بود. این رویکرد ناشی از نیاز و شرایط کشورهای خاص (توسعه یافته) بود و نمی‌توانست مشکلات کشورهای در حال توسعه را که با کمبود سرمایه و مازاد نیروی انسانی غیر ماهر مواجهند، حل کند. از این رو، برخی از نظریه‌ها توجه خود را به نیروی انسانی و شرایط کشورهای در حال توسعه معطوف کردند. پس از آن در در دهه ۱۹۹۰، رویکرد انسان محوری یا قابلیت انسانی به صورت یک رویکرد جدید توسعه معرفی شد.

در مورد فقر و نابرابری نیز بررسی تاریخی نکات جالب توجهی به دست می‌دهد. در واقع با شروع صنعتی شدن به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، پدیده فقر همواره به نحوی از انحاء افکار جوامع بشری، به ویژه کشورهای در حال توسعه را به خود مشغول کرد. این جوامع با توجه به سطح فرارگیری در مدار توسعه، به حل این معضل پرداخته و با اتخاذ راهبردهایی چون رشد اقتصادی، رشد توأم با بهبود توزیع و ... درصدد ارتقاء شرایط زندگی مردم کشورشان برآمدند. اما در بسیاری موارد خصوصاً در کشورهای جهان سوم به دلایل مختلف، گروه کثیری

از مردم از اثرات توزیعی راهبردهای رشد، برخوردار نشدند و این امر منجر به بروز شکافهای اقتصادی، اجتماعی و گسترش پدیده فقر گردید. در دهه ۱۹۹۰ راهبردهای توسعه، از راهبردهای رشد محور به راهبردهای فقرزدایی تغییر یافت؛ لذا این دهه، دهه جنگ با فقر نامیده شد.^۱ نظریات مختلفی در این دوران در ارتباط با چگونگی همسویی رشد اقتصادی و توزیع درآمد در جهت بهره‌مندی تمام اقشار جامعه از مواهب رشد مطرح گردید که هر یک ضمن ستایش نقش عدالت توزیعی در جامعه به بررسی تقدم و تأخر آنها پرداخته و سعی در تبیین الگویی برای نشان دادن رابطه این دو با یکدیگر داشتند.

با توجه به آنچه عنوان شد به نظر می‌رسد لازم باشد به روش‌هایی که جامعه را به سمت حل مشکل فقر و نابرابری هدایت می‌کند توجه کنیم. یکی از راه‌های دستیابی به این دو مهم، بهبود مولفه‌های سرمایه انسانی، از جمله سلامت و آموزش اقشار پایین درآمدی است. دلیل این امر آن است که این دو حوزه در فرآیند توسعه، دارای جایگاه بسیار مهمی می‌باشند و تقویتشان به توسعه پایدار کمک زیادی می‌کند. تقویت سلامت و تحصیلات افراد نه تنها بالذات دارای ارزش است، بلکه بالتبع و به دلیل تاثیراتی که در ارتقاء بهره‌وری دارد مطلوب است. بدین معنی که سلامت و آموزش بهتر، به تقویت بهره‌وری می‌انجامد و بهره‌وری بیشتر نیز منجر به بالا رفتن درآمد فرد گردیده و در نتیجه فرد را از فقر نجات می‌دهد. عواملی مانند سلامت (شامل تغذیه، بهداشت و غیره) و آموزش، که زندگی افراد را تحت تاثیر قرار داده و در آینده منافع ایجاد می‌کنند را اصطلاحاً «سرمایه انسانی» می‌نامند. باید توجه شود که عوامل

1. Johansen, F. (1993). "Poverty Reduction in East Asia", World Bank Dissuasion Paper.

مذکور (سلامت و آموزش) را می‌توان به عنوان کالاهایی معمولی^۱ و قابل مصرف^۲ در نظر گرفت. بدین معنی که هر چه درآمد فرد بیشتر باشد تقاضایش برای مؤلفه‌های سرمایه انسانی مانند آموزش بیشتر خواهد بود.

این تحقیق که در دو بخش نظری و تجربی تدوین شده است، موضوعاتی که در بالا مطرح شد را مورد توجه قرار می‌دهد. در بخش نظری، موضوع سرمایه انسانی را بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود در کشورهای اسلامی مطرح می‌کند. در واقع سعی می‌کند تا اهمیت و تأثیرات مؤلفه‌های سرمایه انسانی را در متون اسلامی (آیات و روایات) و در دیدگاه متفکران اسلامی بررسی کند. ضمن بررسی مفصل، نشان می‌دهد که دین اسلام به تقویت مؤلفه‌های سرمایه انسانی در بین مسلمانان توجه زیادی نموده است. متابعت از این دستورات منجر به دستیابی به رشدی همه جانبه خواهد شد؛ و مسلماً یکی از این جنبه‌ها، بعد اقتصادی است؛ که یکی از جلوه‌های مهم آن کاهش فقر و نابرابری در جامعه اسلامی می‌باشد. در واقع احادیث بسیاری که در مذمت فقر و نابرابری اجتماعی وارد شده است و همچنین روایاتی که در باب علم‌آموزی و دستورات بهداشتی ذکر شده، همگی حاکی از اهمیت این مباحث در اسلام می‌باشند. سیره پیامبر اسلام و ائمه هدی نیز شاهدی گویا بر این ادعاست. بنابراین به نظر می‌رسد اگر کشورهای اسلامی به مباحث مرتبط با سرمایه انسانی توجه کنند، می‌توانند برخی از مشکلاتی که در حوزه فقر و نابرابری دارند را حل نمایند.

1. normal goods

2. consumable

اما اگر نگاهی به وضعیت موارد مذکور در کشورهای اسلامی داشته باشیم، سریعاً متوجه می‌شویم آنچه که امروزه در کشورهای اسلامی وجود دارد، با آنچه که در متون اسلامی در باب فقر و نابرابری و همچنین آموزش و سلامت مطرح شده، فاصله زیادی دارد. واقعیت آن است که اکثر کشورهای اسلامی جزو کشورهای در حال توسعه به حساب آمده و مروری بر آمارهای بین‌المللی به وضوح نشان می‌دهد که فقر و نابرابری در این کشورها بالا بوده و شاخص‌های سرمایه انسانی پایین است. با توجه به آنچه که مطرح شد، سوالی که مطرح می‌شود آن است که برای بهبود وضع موجود چه کاری می‌توان انجام داد؟ در پاسخ به این سوال می‌توان گفت که اقدامات مختلفی باید به منظور اصلاح وضع موجود انجام شود. اما با توجه به تأکید قابل توجه مکتب اسلام بر مباحث مرتبط با سرمایه انسانی، مسلماً یکی از این اقدامات بهبود این نوع از سرمایه در کشورهای اسلامی است. در واقع می‌توان گفت که تقویت مولفه‌هایی مانند آموزش و سلامت، یکی از مواردی است که می‌تواند به کاهش فقر و نابرابری در کشورهای اسلامی کمک کند. برای اثبات این ادعا لازم است تأثیر مولفه‌های سرمایه انسانی بر فقر و نابرابری مورد بررسی قرار گیرد. این کار در بخش تجربی مقاله انجام می‌شود. بدین منظور از دو مدل اقتصاد سنجی استفاده می‌شود. در واقع با استفاده از اطلاعات کشورهای اسلامی تأثیر مولفه‌های سرمایه انسانی بر فقر و نابرابری در کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های این مدل‌ها نشان می‌دهد که همان‌طور که انتظار می‌رفت، تقویت مولفه‌های سرمایه انسانی در کشورهای اسلامی بر کاهش فقر و نابرابری درآمدی اثر دارد. نتایج این بررسی توصیه‌هایی به دولت‌های این دسته از کشورها (که عموماً از کشورهای در حال توسعه‌اند) ارائه خواهد

۱۴ □ فقر، نابرابری درآمدی و مؤلفه‌های سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام

کرد؛ به نحوی که بتوانند در راستای کاهش فقر و نابرابری درآمدی و دستیابی به عدالت، که خود از مهمترین اهداف اقتصاد اسلامی است، حرکت کنند.

دکتر صادق بختیاری

استاد اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه نویسنده

توسعه انسانی از جمله مباحثی است که در دوره اخیر مورد توجه محققان بسیاری قرار گرفته است و ادبیات قابل توجهی در این مورد وجود دارد. از طرفی توجه قابل ملاحظه دین اسلام به انسان و نقش و اهمیت آن در فرآیند توسعه اسلامی، لزوم توجه به مولفه‌های توسعه انسانی از دیدگاه اسلامی را دو چندان کرده است. این تحقیق تا حدودی به این نیاز پاسخ می‌دهد. در واقع این تحقیق بحث مولفه‌های توسعه انسانی (آموزش، سلامت و غیره) را هم به لحاظ نظری و جایگاه آن در اقتصاد اسلامی و هم به لحاظ تجربی و تأثیری که این مقوله در کاهش فقر و نابرابری در کشورهای اسلامی دارد مورد توجه قرار می‌دهد.

در بخش اول تحقیق که قسمت نظری و مفهومی آن را تشکیل می‌دهد، مباحث مختلف از دیدگاه اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این کار ابتدا با بررسی موضوع فقر به لحاظ مفهومی و همچنین با در نظر گرفتن علل به وجود آمدن آن و همچنین آثار و نتایجی که در جامعه بر جای خواهد گذاشت مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از آن به بررسی موضوع نابرابری از دیدگاه اقتصادی اسلام می‌پردازیم. در این قسمت

ضمن تعمیق در آیات و روایات مرتبط، دیدگاه‌های متفکران اقتصاد اسلامی در دوره اخیر را نیز مورد واکاوی و موشکافی قرار می‌دهیم. پس از بررسی دو موضوع فقر و نابرابری، نوبت به بررسی مفهومی برخی مولفه‌های سرمایه انسانی مانند آموزش، سلامت و اشتغال از دیدگاهی اسلامی فرا می‌رسد. در این قسمت‌ها تلاش شده است تا جایگاه موضوع با استفاده مناسب از آیات و روایات مرتبط به درستی تبیین شده و تلاش شود چشم اندازی از تاکید و دقت نظر دین اسلام در رابطه با این مولفه‌ها ترسیم شود.

در بخش دوم تحقیق که بخش تجربی آن را تشکیل می‌دهد تلاش شده است تا به این سوال پاسخ داده شود که آیا تقویت مولفه‌های سرمایه انسانی مانند آموزش و سلامت در کشورهای اسلامی، موجبات کاهش فقر و بهبود وضعیت توزیع درآمد را فراهم می‌آورد یا نه. قبل از ارائه پاسخ به این سوال، لازم است نگاهی داشته باشیم به وضعیت اقتصادی کشورهای اسلامی. این شناخت از وضع موجود اقتصادی کشورهای اسلامی به ما کمک می‌کند تا بتوانیم از نتایج مدل‌های اقتصادسنجی تفسیر قوی‌تر و مناسب‌تری ارائه کنیم. پس از آنکه بررسی وضع موجود گروه کشورهای اسلامی در دوره اخیر در مقایسه با دیگر کشورها تبیین شد، زمان تخمین مدل‌های اقتصادسنجی فرا می‌رسد. در این قسمت با توجه به ظرفیت‌ها و همچنین محدودیت‌های آماری، دو مدل اقتصادسنجی به منظور کشف تاثیرگذاری مولفه‌های سرمایه انسانی بر کاهش فقر و نابرابری درآمدی ارائه می‌گردد. در مدل اول که از اطلاعات ۴۰ کشور اسلامی بهره می‌برد، از روش حداقل مربعات در یک رگرسیون خطی چند متغیره استفاده می‌شود. اما در مدل دوم از روش

ادغام داده‌ها (پنل دیتا) در ۳۹ کشور اسلامی (عضو سازمان کنفرانس اسلامی) و در ۸ دوره زمانی استفاده می‌شود. یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که همان‌طور که انتظار می‌رفت، تقویت مولفه‌های سرمایه انسانی در کشورهای اسلامی بر کاهش فقر و نابرابری درآمدی اثر دارد. نتایج این بررسی توصیه‌هایی به دولت‌های این دسته از کشورها (که عموماً از کشورهای در حال توسعه‌اند) ارائه خواهد کرد؛ به نحوی که بتوانند در راستای کاهش فقر و نابرابری درآمدی و دستیابی به عدالت، که خود از مهمترین اهداف اقتصاد اسلامی است، حرکت کنند.

در اینجا لازم است از زحمات استاد محترم جناب آقای دکتر صادق بختیاری، به جهت راهنمایی و ارائه رهنمودهای لازم تشکر کنم. همچنین جا دارد از زحمات تمامی اساتید دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، که در موارد متعدد از توصیه‌هایشان بهره‌مند شدم، تشکر کنم.

با اینکه در انجام این تحقیق دقت زیادی به کار رفت و متن بازخوانی شد، اما مسلماً باز هم با اشکالاتی همراه است. لذا از کلیه خوانندگان محترم کتاب استدعا می‌کنم اینجانب را از نارسایی‌هایی که در آن مشاهده می‌فرمایند آگاه ساخته و از راهنمایی‌های ارزشمند خود بهره‌مند فرمایند. امید است تحقیق این کوچک‌ترین سرباز اقتصاد اسلامی، مورد رضای خلف صالح امام زمان (عج) و رهبر مسلمین جهان که همواره بر تنوری‌پردازی در حوزه علوم انسانی-اسلامی تاکید نموده‌اند، قرار گرفته و قدمی ولو ناچیز در راستای پیشرفت دانش اقتصاد اسلامی باشد. در پایان نیز این اثر را به تمامی شهدا و بالخصوص شهید

۱۸ □ فقر، نابرابری درآمدی و مؤلفه‌های سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام

بزرگوار آدینه محمد میسمی تقدیم می‌نمایم. روحشان شاد و راهشان پر
رهرو.

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^۱

حسین میسمی^۲

تهران - پاییز ۱۳۸۸

۱. قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع).

mcisami@isu.ac.ir